

شرح و بررسی تناسب تصویری از جلوه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم

سیدمصطفی احمد پناه*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۶

طاهره چالدره**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۱

لیلا قاسمی***

کتابیون فلاحی****

چکیده

یکی از وجوه سادگی و قابل فهم بودن بیان قرآن، همین تصویری و ملموس بودن مفاهیم ذهنی آن است؛ زبان تصویر این امکان را به انسان می‌دهد که تجربه کند و تجربیاتش را در قالب شکلی قابل مشاهده، مستند سازد. در زمینه قرآن و اعجاز آن کتاب‌ها و رساله‌های گوناگونی به رشته تحریر درآمده و صاحب‌نظران و پژوهش‌گران بزرگی همچون *جاحظ*، *جرجانی*، و *زمخشری* در این باب سخن گفته‌اند اما معدودی از اندیشمندان علوم قرآنی به جلوه‌های تصویری در قرآن و جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن به عنوان یکی از معجزات‌اش اشاره کرده‌اند. لذا ضرورت بررسی کارکرد تصویر و تطبیق آن بر آیات قرآن، به خوبی احساس می‌گردد. در این مقاله با هدف بررسی تناسب تصویری در برخی از آیات قرآن کریم پرداخته شد. نتایج بدست آمده این است: از آنجاکه قرآن کریم به زبان عربی نازل شده و زبان عربی نیز به زبانی تصویری است، این ویژگی به ایجاد تصاویر هنری قرآن کریم کمک بسیاری کرده است.

کلیدواژگان: زبان قرآن، تناسب، تصویر، هنر، زبان تصویری.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. ahmadpanah1355@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. chaldareh@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

leila03ghasemi@yahoo.com

**** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. k.falahi.@gmail.com

نویسنده مسئول: طاهره چالدره

مقدمه

یکی از مباحث ارزشمند علوم قرآنی، مسأله «تناسب آیات قرآن با یکدیگر» است. این تناسب و ارتباط در واژگان قرآنی، در درون یک آیه یا آیات هر سوره نمایان است. با وجود اینکه آیات سوره‌های قرآن به ظاهر پراکنده و هر یک مشتمل بر موضوعاتی متفاوت است، اما با توجه به علم، حکمت و هدفداری خداوند، متن قرآن دارای هم‌گرایی موضوعی و محتوایی در جهت هدف تربیتی و هدایتی است و عناصر محتوایی قرآن همانند اجزای یک ساختمان، بهم پیوسته و ناظر به یکدیگرند.

متون دین، متون ادبی ویژه‌ای هستند؛ و از اسلوب خاص و ساختار زبانی شعرگونه بهره می‌گیرند. قرآن کریم به مثابه یک متن ادبی در شیوه بیان ساز و کارهای زبان ادبی را به کار بسته است. یکی از این ساز و کارها، تصویر هنری است که مقاله حاضر به مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن می‌پردازد.

در علوم قرآن، به ارتباط میان موضوعات یک آیه و پیوند دو یا چند آیه با هم و ارتباط سوره‌ها با یکدیگر «تناسب» گویند. برخی معتقدند: علم مناسبات قرآن دانشی است که به وسیله آن علل چگونگی ترتیب یافتن اجزای آن شناخته می‌شود و این دانش است که گویای اسرار بلاغی قرآن است. اهمیت و زیبایی تصویر هنری در شگفتی و غرابت آن است و هرگونه تلاقی نامأنوس که در خیال ما میان پدیده‌ها رخ دهد شگفتی است.

در مقاله حاضر، درگستره‌ای از مطالعات میان رشته‌ای، به روش تحلیلی- تطبیقی و با تکیه بر کلام و حیانی قرآن کریم کارکردها، تناسب تصویری در برخی از آیات، روابط و وجوه اشتراک و افتراق زیبایی شناسی و هنر دینی را بیان می‌کنیم.

تناسب تصویری از جلوه‌های زیبایی شناسی آیات قرآن کریم

ضرورت بررسی کارکرد تصویر و گاهی تطبیق آن بر آیات قرآن، به خوبی احساس می‌گردد. قرآن کریم، از آن مقام الوهی بوده و نزول‌اش موجبات تعالی متن و زبان عربی را فراهم ساخته به صورتی که آیات سوره‌های آن از زیباترین و شیواترین کلمات در شیوه بیان و تصویرسازی صحنه‌ها از ساز و کارهای بصری و هنر قدسی بهره می‌جویند.

تجسم زیبایی‌ها، مبنا و قاعده بنیادین سبک قرآن، ابزار برجسته و برگزیده در بیان معانی مجرد و ذهنی، حالت‌های درونی و موضع‌گیری‌های انسانی است. تصویر یکی از ابزارهای هنری- ادبی است که در رابطه با تخیل و به معنای ایجاد یک رابطه جدید میان اشیاء است. تصویر هنری به نوعی تأکید بر معنای مورد نظر ادیب و روشی برای القاء آنچه را که می‌خواهد به مخاطب برساند، است (عصفور، ۱۹۹۲: ۳۹۸).

پیشینه تحقیق

تا کنون درباره قرآن کریم پژوهش‌های ارزنده و قابل ذکری صورت گرفته است که از زوایای گوناگون به آن پرداخته‌اند. درباره تناسب تصویری نیز مقالاتی نگاشته شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

- کاووس حسن‌لی و مصطفی قدیمی (۱۳۸۲) در مقاله «تحلیل رنگ در سروده‌های سهراب سپهری» در شماره ۱۳ مجله ادب و زبان کرمان.
 - موسوی لر، اشرف السادات و یاقوتی، سپیده (۱۳۹۴)، «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب»، مجله جلوه هنر، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
 - فتحی، علی و طاهری، محبوبه (۱۳۹۴)، «زبان تصویری، روش تربیتی قرآن»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پاییز، شماره ۲۸، از صفحه ۸۵.
- سید قطب در کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» توانست در بررسی تصویر هنری به طور عام و به طور خاص بررسی تصویر هنری در قرآن گوی سبقت را از صاحب‌نظران معاصر برآید. به ویژه که می‌دانیم وی کتاب‌اش را در سال ۱۹۴۵ منتشر نمود و قبل از آن یعنی شش سال قبل از انتشار کتاب، مقالاتی در مجله المقتطف درباره تصویر هنری در قرآن نوشت (خالدی، ۱۹۸۸: ۱۲۳).

تناسب تصویری در قرآن کریم

تصویر هنری در قرآن کریم، دارای ارزش هنری، ادبی، معرفتی و احساسی خاصی است که می‌تواند واقعیت‌ها و حوادث و مسائل ذهنی را به صورت محسوس به مخاطبان

ارائه کند. هدف تصویر در قرآن، ساختن انسان از حیث فکری، احساسی و رفتار است. نظام هدفمند و روابط آیات قرآن نیز همان راز اعجاز در آفرینش و هستی و انسان است. جریان وحی فرود آمده از سوی خدا برای انسان که غرض اش کشف و روشن‌گری بود در اندیشه دینی متأخر به جریانی صعودی از سوی انسان برای رسیدن به ذات باری تعالی تبدیل گردید. کلام... نظام رمزداری است که پیامبر پس از فرآیند وحی به رمزگشایی آن در زبان می‌پردازد (ابوزید، ۱۳۸۰: ۴۰۲).

علمای بلاغت بر تناسب لفظی صوتی منحصر به فرد در قرآن تصریح کرده و گفته‌اند که نمی‌توان به جای یک واژه قرآنی، واژه دیگری گذاشت، حتی اگر این واژه در معنا، از مترادف‌ها باشد؛ زیرا این کار، دقت همان معنا را منتقل نمی‌کند و ترکیب حروف آن، هدف صوتی سیاق جمله قرآنی را برآورده نمی‌کند و با ترکیب قرآنی در آهنگ داخلی یا ایقاع مطلوب آن در فاصله آیه هماهنگ نیست (حمدان، ۱۳۹۲).

سید قطب در قالب نظریه "تصویرپردازی هنری آیات قرآن" معتقد است که قرآن کریم در بیان اغراض گوناگون به بهترین وجه از قاعده تصویر بهره برده است به طوری که این قاعده از نگاه او به عنوان ابزار برتر بیان قرآن و یک قاعده عام و فراگیر در آن به شمار می‌آید (موسوی لری، یاقوتی، ۱۳۹۴).

زبان تصویر این امکان را به انسان می‌دهد که تجربه کند و تجربیاتش را در قالب شکلی قابل مشاهده، مستند سازد، به طوری که یک فرد بی‌سواد هم می‌تواند مثل شخصیتی تحصیل کرده آن را بفهمد (کیس، جنورگی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). بنابراین، پناه بردن به تصویر وسیله‌ای برای عمق بخشیدن به مفاهیم مورد نظر نگارنده است. تناسب و هماهنگی موجود در تعبیر، این امکان را به ادیب می‌دهد تا سایه‌ها و ریتم کلام را با فضای احساسی‌ای که می‌خواهد ترسیم کند، هماهنگ سازد (خالدی، ۱۴۲۱: ۱۰۳).

مبانی نظری

نظریه تصویرپردازی هنری که اولین بار توسط سید قطب، نظریه پرداز معاصر قرآنی مطرح شد، افق‌های جدیدی را در باب اعجاز قرآن گشود. تفاوت نظریه تصویرپردازی هنری در قرآن با تلاش‌های بلاغت قدیم در این است که نظریه یادشده تصویرگری و

خیال انگیزی کلام را منحصر به صور خیال (تشبیه، استعاره و...) نمی‌داند؛ بلکه خیال انگیزی کلام قرآن علاوه بر استفاده از صور خیال، با انتقال مفاهیم از طریق انتخاب دقیق و لطیف کلمات، هماهنگی حروف و واژگان، مدها و تشدیدها، ترکیب هماهنگ جملات و عبارات، استفاده از اسلوب‌های گوناگون بیانی و ادبی... صورت می‌گیرد. همه این‌ها با پیوندی ناگسستنی، دقیق و محاسبه شده، تصویری محسوس، زنده، پویا و خیال انگیز را در مقابل دیدگان مخاطب شکل می‌دهند (اصغرپور، ۱۳۸۴: ۱۱۳). تصویر از نظر او، چنانکه در تحلیل وی از آیات پیداست، یعنی هر نوع ارائه حسی معنا، چه اینکه این داده حسی بر گونه‌های بلاغی سنتی تکیه نماید و چه فراتر از آن، بر دیگر عبارات حقیقی که موجب انگیزش قوه خیال مخاطب گردد هرچند بر مجاز مبتنی نباشد. سید قطب با این برداشت دریافت که سبک قرآن تماماً، جز در آیات تشریح، تصویری است و این سبک تصویری همان راز اعجاز آن است. این سبک تصویری، هم بر مؤمنان و هم بر کافران به طور مساوی تأثیرگذار است (سید قطب، ۱۹۸۸: ۱۷).

قرآن کریم در پیوند اجزای کلمه‌ها، جمله‌ها، ترکیب‌ها و آیات سوره‌هایش و روابط گسست ناپذیر آن‌ها در بالاترین درجه امکان قرار دارد و در عین برخورداری از تنوع و تکثر، از وحدت، انسجام، تناسب، هماهنگی و تجاذب بی نظیر، در میان اجزای متنوع خود بهره برده است (مولائی نیا، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

تناسب و هماهنگی

"تناسب" یا "مناسبت" در لغت به معنی هم شکلی و نزدیک به هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآن، ربط دهنده بین آیات را گویند. از "تناسب" گاه با تعبیر "تناسق" و "اتساق" نیز یاد شده است.

تناسب و هماهنگی در قرآن به لحاظ اقسام، درجات و ویژگی‌های تناسب، به حد اعجاز رسیده است؛ از نظم فصیح آن گرفته تا معانی مترابط، شیوه یکپارچه، تعبیر تصویری، تصویر دارای شخصیت، خیال پردازی مجسم شده، موسیقی آهنگین، هماهنگی در اجزا و... بی شک هر یک از این عوامل در تحقق اعجاز قرآن در زمینه ادبی بلاغی نقش بسزایی ایفاء نموده‌اند (موسوی لری، یاقوتی، ۱۳۹۴).

نظریه پردازان مسلمان هرچند عموماً اعجاز قرآن را قطعی و مسلم انگاشته‌اند اما گاه در وجوه اعجاز با هم اختلاف پیدا کرده‌اند. عده‌ای از آنان که اکثریت قاطع را تشکیل می‌دهند اصلی‌ترین عنصری را که معجزه بودن قرآن را به بار آورده است سبک بیانی خاص این کتاب آسمانی می‌دانند و در عین حال، برخی دیگر همچون معتزله (۲۲۱ق) درست مقابل نظریه بالا پنداشته‌اند اعجاز قرآن (صرفاً) در پشت غیب‌گویی‌های آن نهفته است و نظم و تألیف آن در دسترس بشر قرار دارد، اما اراده خداوندی آدمی را از دست زدن به گردآوری سخنانی همانند با آن باز داشته است.

تصویر در قرآن

از جمله مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مهم‌ترین مؤلفه تصویر قرآنی، اندیشه دینی است یعنی ابزاری است برای بیان اغراض دینی.
۲. مؤلفه دوم، "واقعیت" است. واقعیت گاهی حوادثی هستند که هنگام نزول واقع شده‌اند و گاه قصه‌اند. تصویر قرآنی جمع بین حقیقت و هنر است.
۳. مؤلفه سوم "خیال" است. تصویر قرآنی تحریک کننده خیال مخاطب است تا معنا را از طریق حس و وجدان و اندیشه و احساس دریابد.
۴. مؤلفه چهارم "عاطفه" است. تصویر بدون عاطفه ارزش ندارد. تصویر در قرآن در تأثیر بر مخاطب در اوج است. چون احساس دینی و شعور انسانی را با هم تحریک می‌کند.
۵. مؤلفه پنجم "زبان" است. زبان عربی با ویژگی‌های هنری که دارد از دیگر زبان‌ها متمایز است و به قول عقاد زبان تصویر هنری یا زبان مجاز است.
۶. مؤلفه بعدی "ریتم یا آهنگ" است. آهنگ در قرآن بسته به بافت و معنایی کلی، کند و تند می‌گردد. مثلاً در سوره "الضحی" آرام و نرم است ولی در سوره "العادیات" تند و سریع و کوبنده (احمد الراغب، ۲۰۰۱: ۴۵). تصویر در قرآن از دو عنصر تناسب و هماهنگی بهره می‌برد که دارای درجات متعدد است، از جمله:
 ۱. تناسب و هماهنگی در تألیف عبارات با گزینش واژگان و آنگاه نظم و چینش آن‌ها در نظامی ویژه که به بالاترین درجه فصاحت می‌رسد.

۲. آهنگ و موسیقی ناشی از گزینش واژگان و نظم آن‌ها.
 ۳. نکته‌های بلاغی و سازگار با بافت. مثلاً فاصله: ﴿وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (روم/ ۵۰)
 ۴. تسلسل معنایی میان اغراض در بافت آیات و تناسب در انتقال از غرضی به غرض دیگر (سید قطب، ۱۹۸۸: ۶۸).
- در هنر و به ویژه هنر بیانی غایت آن است که مخاطب به دو قوه عقل و احساس تحریک گردد و با برانگیختن شور و عاطفه وی پذیرای پیام گردد (هگل، ۱۳۶۴: ۹۱).

زبان تصویری قرآن

زبان تصویری زبانی است که با توجه به ویژگی‌های آن تنها در قرآن کریم به گونه‌ای شگفت‌انگیز برای بیان مقاصد تربیتی به کار رفته است. تصویر در لغت به معنای دادن صورت و شکل دادن به کسی یا چیزی، نقش کردن، رسم نمودن و آفریدن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲).

در اصطلاح، مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۵).

برای درک اعجاز، در بیان قرآن کریم و رازواره بودن آن خوب است بدانیم ابزاری که معنای ذهنی و حالت روانی را به تصویر می‌کشد، واژگان بی‌جان هستند نه رنگی که به تصویر می‌کشد و نه افرادی که حرکت می‌کنند. آنچه در پی می‌آید نمونه‌ای از تصویرپردازی در متن مقدسی چون قرآن کریم است که بیان‌گر اعجاز آن می‌باشد.

۱. تشخیص یا انسان‌انگاری که نوعی مجاز است که در آن به اشیاء یا اندیشه‌های مجرد، ویژگی‌ها و کردار انسانی بخشیده می‌شود (رضایی، عربعلی، ۱۳۸۲: ۲۵۸).

در قرآن کریم آسمان و زمین به عنوان دو موجود عاقل مورد خطاب قرار می‌گیرند و پاسخ هم می‌گویند. در ترجمه آیه ۱۱ سوره فصلت چنین آمده است:

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾

جهنم نیز به عنوان انسان و حیوانی سیری ناپذیر می‌شود که گناهکاران را از دور می‌بیند و خشم می‌گیرد:

﴿يَوْمَ نَقُولُ لِحَبْلِهِمْ هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْغَالِيَةِ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ (ق/ ۳۰)

باد به سان زنی باردار به تصویر کشیده می‌شود:

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾ (حجر/ ۲۲)

«این بدان خاطر است که باد حامل آب است و بیان قرآنی به آن زندگی حیوانی- انسانی بخشیده که لقاح می‌کند و فرزند می‌زاید» (سید قطب، ۱۹۸۸: ۵۹).
حالات روانی آدمیان نیز به سان آدمیان آرام می‌گیرند و به هیجان می‌آیند و سخن می‌گویند و ساکت می‌شوند و می‌آیند و می‌روند:

﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضِبُ أَخَذَ الْأَلْوَابَ﴾ (اعراف/ ۱۵۴)

پدیده‌هایی چون ستاره‌ها به موجودی چون آهو تشبیه می‌شود، می‌فرماید:

﴿فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۖ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ۖ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ۖ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ (تکویر/

۱۵-۱۸)

در این آیات به ستاره جان بخشیده شده است. یعنی آهویی قد برافراشته که حرکت می‌کند و در لانه‌اش آرام می‌گیرد. شب هم به سان شخصی است که حرکت می‌کند و در تاریکی پشت می‌کند. صبح هم مثل موجودی زنده نفس نفس می‌زند.
۲. حس آمیزی: در آمیختن حواس را گویند مثل حس و درک برخی آواها از گذر رنگ‌ها و بوها. حس آمیزی در واقع نوعی مجاز است که از آمیزش دو حس ایجاد می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۳۲).

در آیات قرآن حس آمیزی از نوع مجاز فراوان به کار رفته است. تصویر امور معقول و ذهنی به امور حسی و در هم آمیختن حس‌ها با هم از شگردهای بیانی این کتاب در بیان مفاهیم است. مثلاً تشبیه اعمال کافران به سراب در بیابان یا زمینی هموار است که تشنه‌ای آن را آب می‌پندارد و چون به آن می‌رسد؛ چیزی نمی‌یابد. می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا﴾ (نور/

۳۹)

گاه یک مفهوم برای تأثیرگذاری بیش‌تر به حسی ارتباط می‌یابد که به راحتی برای آدمی قابل تصور است. مثل به حس در آوردن مفهوم عذاب به غلظت و سنگینی:

﴿وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾ (ابراهیم/ ۱۷)

یا تصویر حسی روز به سنگینی:

﴿وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾

۳. عینیت بخشی: این اصطلاح به معنای بیان ماهیات، اندیشه‌ها و عواطف به صورت عینی و در شکل نقاشی و تصویر و تشبیه‌های محسوس می‌باشد (یاسوف، ۱۹۹۴: ۱۰۱). عینیت بخشی پاره‌ای از تصویرگری است که در حقیقت جلوه حسی بخشیدن به امر معنوی است. ابزار بکار گرفته شده در عینیت بخشیدن در قرآن واژگانی برگرفته از طبیعت جامد و طبیعت متحرک است. «کم‌تر تصویری را در قرآن می‌توان یافت که به قصد هنری که لازمه‌اش سکوت و سکون است به تصویر ساکت و ساکنی پردازد. بیش‌تر تصاویر متحرک و ظاهرند؛ حرکتی با تپش حیات و پرحرارت» (سید قطب، ۱۹۸۸: ۶۰).

مثلاً گناه به صورت بار سنگینی به عینیت درمی‌آید:

﴿وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلْسَاءَ مَا يَرَوْنَ﴾ (انسان/ ۲۷)

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام/ ۱۶۴)

و یا اینکه آرامش مثل ماده‌ای است که بر پیامبر (ص) و مؤمنان نازل می‌شود:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۲۶)

و یا اینکه تواضع و فروتنی دارای بال می‌باشد (سید قطب، ۱۹۸۸: ۶۵):

﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾

۴. نام آوا: القای صوتی خاص در ارتباط با موضوع کلام است در اصطلاح زبان شناسی واژه‌ای است که میان لفظ و معنای آن رابطه‌ای طبیعی برقرار باشد (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۶۲). قرآن کریم هم از این تناسب آوایی - معنایی استفاده کرده است. عبارت «تَوَزَّهْمُ از آ» در آیه: ﴿الْمُرْتَدَّاتُ أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَزَّهْمُ أَرْسَلْنَا﴾ (مریم/ ۸۳) که به معنای تحریک کردن است. میان لفظ و معنا تناسب برقرار است. گویی لفظ «از» حس تحریک در وجود آدمی ایجاد می‌کند و اگر هاء و همزه را که مخارج مشترک دارند در نظر گیریم با «هز» - «هز» که به همان معناست، برابر می‌باشد. اما ثبت آن با همزه بدان سبب است که همزه از هاء بر روان آدمی تأثیرگذارتر است (ابن جنی، ۱۹۵۲: ۱۴۶). یا واژگانی چون يَصْطَرِحُونَ در آیه: ﴿وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا﴾ (فاطر/ ۳۷) که به گوش صدای خشن و کوبنده‌ای می‌رسد که آهنگ واژه خود معنا را القاء می‌کند (یاسوف، ۱۹۹۴: ۲۲۶).

واژه‌هایی چون الصَّاحَّة و الطَّامَّة که از اوصاف روز قیامت‌اند؛ «واژه الصَّاحَّة گویی پرده گوش را به سنگینی و خشونت آهنگی که دارد و هوا را می شکافد تا به پرده گوش برسد، پاره می کند. همچنین است واژه الطَّامَّة که با صدا و طنینی که دارد، به سان طوفانی است که همه چیز را درمی نوردد» (سید قطب، ۱۹۸۸: ۷۳).

گاه یک حرف در واژه‌ای القای معنی می کند که با معنای آیه تناسب دارد:

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾ (لیل/۱۴)

و فاء در آیه:

﴿سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا﴾ (فرقان/۱۲)

صدای خشمناک آتش را القاء می کند.

و یا حرف صاد در آیه:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ﴾ (قمر/۱۹)

صدای تندباد را با خود دارد و یا حرف خاء در آیه:

﴿وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاجِرَ﴾ (فاطر/۱۲)

صدای شکافته شدن امواج دریا به وسیله کشتی را القاء می نماید (بدوی احمد: ۶۹).

در آیه:

﴿يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا﴾ (طور/۱۳)

واژه «دع» تصویرگر مدلول آن می باشد. دع یعنی «به زور به پشت افتادن» معمولاً شخص به طور غیر عادی صدا «عُ» را بیرون می دهد. این صدا با آهنگ آن برابر است. یا فعل «انلزمکموها» در آیه ﴿أَنْلِزْمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَاهُونَ﴾ (هود/۲۸).
اکراه با ادغام ضمائر در تلفظ به تصویر کشیده شده است (سید قطب، ۱۹۸۸: ۷۵).

۵. حرکت: حرکت از نشانه‌های یک موجود زنده است. حرکت نشانه وجود روح در پدیده است. در حوزه ادبیات و متن گاه واژگان از چنین ویژگی برخوردارند که ارتباط تنگاتنگی با حالت احساسی پیدا می کنند. در فلسفه هنر معاصر برخی بر آن اند که «زیبایی برتر از حرکات غیر از حرکات است و ناشی از افق اراده و عواطف است و برای تحلیل درست آن ناگزیر باید به این افق یعنی افق اراده و عواطف صعود کنیم» (یاسوف، ۱۹۹۴: ۱۴۹).

به عنوان مثال واژه اَثَقَلْتُمْ در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَثَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ﴾ (توبه/۳۸) خود واژه حرکت کُند را القاء می‌نماید.

یا زُحِرَ در آیه «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران/۱۸۵) تکرار «ح» و «ز» بهترین حروف برای تصویرگری صحنه دور کردن می‌باشد.

در معنا و مفهوم آیه ﴿وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لِيَبْطِئَنَّ﴾ (نساء/۷۲) واژه لیبطئن که در تلفظ به کندی تلفظ می‌شود، معنا را نیز به کندی القاء می‌کند.

در آیه ﴿تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ﴾ (بقره/۲۰) واژه تَخَطَّف القای معنای ربودن را که فعلی است با حرکت سریع و تند و با هم‌نشینی حروف «خ» و «ط» و حرکت مشدد آن می‌نماید. گاه واژه با حرکت کند فاعلان تناسب دارد. مثلاً در آیه ﴿كُلَّمَا نَزَّلْنَا آيَةً فَتَوَلَّىٰ أَوَّلِيَّهَا﴾ (مجادل/۱۸) کلمه مشوا با حالت روانی منافقان تناسب دارد. مشی و گام زدن در این آیه با ترس از قهر و خشم طبیعت و شدت تاریکی و باران و رعد و برق که در آیه قبل آمده است، تناسب دارد. این واژه بیان‌گر ناتوانی روندگان است.

۶. موسیقی: در متون ادبی برجسته موسیقی نقش اساسی را در انتقال معنا ایفا می‌کند. «شعر، تجلی موسیقایی زبان است. تصویر، معنا، بیان، همه و همه جلوه‌های گوناگون این موسیقی‌اند» اما فرق شعر و نثر در آن است که «در شعر، این موسیقی کلمات Songs است که معنا را «جهت می‌دهد» ولی در نثر معانی است که «جهت کلمات را تعیین می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۲۰-۳۸۹).

قرآن از حیث ساختار متنی است نه شعر است و نه نثر به معنای معمول؛ ولی دارای فاصله و موسیقی درونی است. فاصله‌ها در قرآن یکی از عوامل موسیقایی در قرآن است ولی با این تفاوت که «بر خلاف نظام شعر عربی این فاصله‌ها در وزن مساوی‌اند». آهنگ و موسیقی از «مخارج حروف، ویژگی حروف حرکات آن، توالی و پیاپی آمدن و با نظمی مشخص، واژگان، جملات و عبارات تشکیل می‌شود» (احمد الراغب، ۲۰۰۱: ۵۳). توجه به آهنگ و موسیقی در آیات گاه چنان است که حرف اصلی از کلمه حذف می‌شود. در فعل "یسر" و تناسب و حفظ موسیقی کلام در آیات ﴿وَالْفُجْرِ وَالْيَاسْرِ وَالشُّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ﴾ می‌باشد. گاه هم از ساخت قیاسی کلام به خاطر ملاحظه موسیقی پنهان در ترکیب عدول می‌نماید. مثلاً در آیات:

﴿ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾ (مریم / ۲-۴)

موسیقی و آهنگ در قرآن با توجه به معنا و مفهوم و بافت کلام تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر موسیقی تابع معناست نه معنا تابع موسیقی. این همان تفاوت عمده میان ساختار متنی قرآن با سجع کاهنان است. یعنی گاه آهنگ و موسیقی تند و گاه آرام است. این شدت و کندی و تندی بسته به بافت کلی و معناست. به عنوان نمونه آهنگ در سوره «الضحی» آرام و نرم است که با تصویر هنری آن در طلوع سپیده و شب آراء و تصویر سیستم و رضامندی در این سوره هماهنگ است. اما در سوره عادیات، تند و سریع و کوبنده است که با تصویر اسب‌های تندرو و شیهه زن و با رستاخیز قبرها و... هماهنگ است.

نتیجه بحث

با توجه به بررسی مطالب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که بیان مطالب تربیتی در قالب زبان تصویر و بر پایه منطق وجدانی از مهم‌ترین شیوه‌های بیانی قرآن کریم است. قرآن کریم با بهره‌گیری مناسب از دو عنصر اساسی تصویرسازی یعنی عنصر خیال‌پردازی حسی و عنصر عینی‌سازی معانی ذهنی توانسته است مطالب تربیتی را در قالب‌های بسیار زیبا و رسای تصویری برای مخاطبان ترسیم کند.

با عنصر خیال‌پردازی حسی، معانی متعالی در صورتهای مجرد ذهنی تصور می‌شود و با حرکتی زنده و پویا در قاب تصویر نمایان می‌شود و با عنصر عینی‌سازی، معانی مجرد تربیتی و معنوی در لباس محسوسات و امور عینی جلوه می‌نماید که تأثیر شگرف و پایداری را در پی دارد. دین اسلام نخستین خلق هنری خود را از طریق قرآن کریم به جهان و بشریت اعلام کرده است. البته این به این معنا نیست که قرآن کریم فقط دارای وجوه هنری است، کما اینکه همه ابعاد و همه آنچه برای سعادت و رستگاری بشر لازم است، در قرآن مطرح شده است. تصویر هنری در قرآن کریم، دارای ارزش هنری، ادبی، معرفتی و احساسی خاصی است که می‌تواند واقعیت‌ها و حوادث و مسائل ذهنی را به صورت محسوس به مخاطبان ارائه کند. هدف تصویر در قرآن، ساختن انسان

از حیث فکری، احساسی و رفتار است. نظام هدفمند و روابط آیات قرآن نیز همان راز اعجاز در آفرینش و هستی و انسان است، چنانچه که راز اعجاز در قرآن کریم نیز هست. از آنجا که وظیفه تصویرپردازی‌های قرآن، تنها به تصویر کشیدن محسوسات نیست، بلکه تأثیرگذاری و ماندگاری در ذهن خواهد داشت و این همان شیوه هدایت قرآن است که عمدتاً شیوه هدایت به زبان و بیان غیر مستقیم را انتخاب کرده است، چنانکه قرآن بر رسول خدا نازل شد تا آدمی را با اسماء و صفات و افعال و آثار قدرت وی آشنا سازد. این معرفت دینی به معرفت ذهنی متوقف نمی‌شود بلکه به ایمان، رفتار و اندیشه و پایبندی تحول می‌یابد؛ بنابراین تصور خالی حامل نگرش اسلامی است که کمال آن به کمال تصویر و پیوند آن‌ها با هم در نظام روابط تصویری، بیانی و فکری ممکن است تا در وحدت طراحی یا ساخت تکمیل گردد و قرآن به معجزه‌ای در طراحی مبتنی بر روابط تبدیل می‌گردد.

برآیند این پژوهش این است که تأکید بر جنبه‌های گوناگون اعجاز متنی از ابعاد هنری و ادبی در بررسی آیات قرآن، نادیده گرفتن محتوای متین آن نیست؛ بلکه جلب کردن توجه به زیبایی‌های ساختاری، زبانی، تناسب تصویری و روابط واژگانی آن است که پس از گذشت قرن‌ها تازگی دارد و از رونق نمی‌افتد.

البته این به این معنا نیست که قرآن کریم فقط دارای وجوه هنری است، کما اینکه همه ابعاد و همه آنچه برای سعادت و رستگاری بشر لازم است، در قرآن مطرح شده است.

در پایان پیشنهاد می‌گردد در کنار بهره‌گیری از روش‌های دیگر تربیتی، استفاده مناسب و درست از زبان تصویر در تربیت امور اخلاقی، یک سرمشق ممتاز قرآنی در پرورش اخلاقی است و مربیان و معلمان تربیتی در امور تربیتی بیش از پیش بدان اهتمام ورزند و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را به شیوه زبان تصویری در قالب‌های مختلف داستان، تمثیل، نمایش و مانند آن ارائه کنند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن جنی، عثمان. ۱۹۵۲م، **الخصائص**، تحقیق محمد علی النجار، قاهره: بی نا.
ابوزید، نصر حامد. ۱۳۸۰ش، **پژوهشی در علوم قرآن**، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: انتشارات طرح نو.

احمد الراغب، عبدالسلام. ۲۰۰۱م، **وظيفة الصورة الفنية في القرآن کریم**، بی جا: بی نا.
حمدان، نذیر. ۱۳۹۲ش، **پدیده زیباشناختی در قرآن کریم**، ترجمه انسیه هاشمی، قم: مدرسه اسلامی هنر.

خالدی، صلاح عبدالفتاح. ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م، **سید قطب الأديب الناقد والمجاهد والمفكر المفسر الرائد**، دمشق: دار القلم.

خالدی، صلاح عبدالفتاح. ۱۹۸۸م، **نظرية التصوير الفني عند سيد قطب**، ج ۲، جده- السعودیه: دار المنارة للنشر والتوزيع.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات في غريب القرآن**، بیروت: دار العلم.

رضایی، عربعلی. ۱۳۸۲ش، **واژگان توصیفی ادبیات فرهنگ معاصر**، چاپ اول، تهران: بی نا.

سید قطب، بن ابراهیم شاذلی. ۱۹۸۸م، **التصوير الفني في القرآن الكريم**، بیروت: دار الشروق.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۵۸ش، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۴ش، **موسیقی شعر**، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.

عصفور، جابر. ۱۹۹۲م، **النقد العربي**، ج ۲، قاهره- بیروت: نشر دار الكتاب المصنوی.

کیس، جنورگی. ۱۳۸۲ش، **زبان تصویر**، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: سروش.

مولایی نیا، عزت ا... ۱۳۸۳ش، **اسالیب بیانی قرآن کریم؛ پژوهشی پیرامون جمله‌های معترضه در قرآن کریم**، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

هگل، فردریش گئورک. ۱۳۶۴ش، **مقدمه بر زیباشناسی**، ترجمه محمود عبادیان، تهران: نشر آوازه.

یاسوف، احمد. ۱۹۹۴م، **جماليات المفردة القرآنية**، الطبعة الأولى، دمشق: دار المكتبی.

مقالات

موسوی لر، اشرف السادات و سپیده یاقوتی. ۱۳۹۴ش، «**تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب**»، مجله جلوه هنر، شماره ۱۴، پائیز و زمستان.

Bibliography

- Abu Zayed. Nasrahamd Nasrahamd (2001) Research in Quranic Sciences. Translated by Morteza Kariminia. Tehran, New Design Publications.
- Hamdan, Nazir (1392) Hamdan, Nazir (1392) The aesthetic phenomenon in the Holy Qur'an, Translation: Ensada Sadat Hashemi. Qom Islamic Art School.
- Rezaei, Arbal Ali (1382) Descriptive Vocabulary of Contemporary Culture Literature, First Printing, Tehran.
- Shafiei Kotkani Mohammad Reza (2005) Poetry music. Awareness Publishing House. Eighth Printing, Tehran.
- Shafiei Kotkani Mohammad Reza (1385) Imaginary imagery in Persian poetry. Tehran: Aga.
- Caps, Georgi (2003) Image language. Translation of Firoise Mohagair. Tehran, sorosh.
- Mousavi Lar, Dr. Ashraf Sadat, Yagwuti, Sepideh (1394) Explaining the visual effects of Quranic verses based on the artistic theory of Sayyid Qutb, Jelveh Art Magazine No. 14.
- Molaei Nia, Ezatollah (1383) asalib is the Holy Qur'an karim. (Research on sentences in the Holy Qur'an) Tehran, Farhang green newspaper.
- Hegel, Friedrich George (1364) Introduction to Aesthetics, Translation by Mahmoud Ebadian, Awazeh Publication.

Arabic Book

- Qur'an karim.
- Ebne Hubi Usman (1952) Al-khsayes. Research by Mohammad Ali al-Najjar. Cairo. Volume 2.
- Ahmed al-Ragheb, Abdul Salam (2001) The duty of Al-Sourah al-Faniya al-Quran, faslat al-derasat and al- Translation.
- Khalidi, Salah Abdolfattah (2000) Sayyid Qutb Al-Adib al-Naghd waldasombe Alam Jahedo al-mofakker al-mofser al - Raad, Damascus, Dar al-gHalam.
- Khalidi, Salah Abdolfattah (1988) Al-Thawar's technical Theory of India, Seyyed Qutb, Volume 2. Jeddah-al-Saadiyah Dar al-manara lenashr and al-touzi.
- Ragheb Isfahani, Hussein ebne Muhammad (1412) Al-Mfrdaat is a whimsical al-Quran. Beirut: Dar al-Alam.
- Seyyed Qottab, Bin Ibrahim Shazli (1988) Al-Thawar's technical in Al-Quran al-Karim. Beirut, Dar al-Sharouq.
- Asfoor, Jaber (1992) Al-naghd Al-Arabi's . Volume 2. Cairo-Beirut, Publication of the Darul Book of Al-Mashandi.
- Yasuf, Ahmed (1994) Amaliat al-Mafreda al-Quraniye, Dar al-Maktabi. al-tab'a al-owli. Damascus.

